



حجت‌الاسلام والمسلمین مفید کیایی‌نژاد طالقانی

مقالی پی آمده، خوانشی نظام‌مند از دیدگاه‌های امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و حضرت آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در باب سیره و کارنامه مجاهد نامور، زنده یاد آیت‌الله سید محمود طالقانی است. این پژوهش توسط حجت‌الاسلام والمسلمین مفید کیایی‌نژاد طالقانی از یاران آن عالم ظلم‌ستیز و نماینده ادوار پیشین مردم طالقان در مجلس شورای اسلامی صورت گرفته است. امید می‌بریم که انتشار این مقال، در حالی که تنها چند روز از چهل و سومین سالروز ارتحال آن بزرگ فاصله گرفته‌ایم، تاریخ پژوهان انقلاب اسلامی و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

سخن نخست

من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه. فمَنهم من قضا نحبه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلا «حزاب- ۲۳/ در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهد و پیمانی که با خدا بسته‌اند، صادقانه ایستاده‌اند. پس گروهی از ایشان پیمان خود را به آخر رساندند و در راه خدا شربت شهادت نوشیدند و گروهی دیگر در انتظارند و هرگز تغییر و تبدیل در عهد و پیمان خود ندادند و ایمان آنها دچار تزلزل نیست.

سخن گفتن پیرامون شخصیت بزرگواروی چون حضرت آیت‌الله سیدمحمود طالقانی (رضوان الله تعالی علیه) کار بنده نیست، چون نه لیاقت این جهت را در خود می‌بینم و نه قابلیتش را. شخصیتی که در راه پیشبرد اهداف عالی‌ه اسلامی، با تمام وجود خود را وقف اسلام و مسلمین کرده بود و در این راه، از هیچ تلاش و کوششی دریغ نداشت. بنده‌ای که به هیچ عنوان در خود نمی‌بینم، کاری که رضای خدا و رسول خدا در آن باشد، برای این نظام و انقلاب انجام داده باشم، چگونه می‌توانم در مورد ایشان سخن بگویم؟ شخصیت این بزرگوار را باید در بیانات امام راحل(ره) و مقام معظم رهبری دید که به قول معروف:

قدر زرزگر شناسد

بنده و امثال بنده اگر سخنی هم می‌گویم، از باب «ما لا یدرک کله لا یترک کله» می‌باشد:

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید بنده در آنچه پیش روی دارید، تنها گوشه‌هایی از زندگی و حیات پرپرکت این مرد بزرگ را به عرض می‌رسانم. در یکی از شب‌های سالگرد این مجاهد عظیم‌الشان در تهران و در مسجد هدایت که معمولاً هر ساله این مراسم برگزار می‌شود، توسط فرزند ارجمندشان آقای سیدمهدی طالقانی - که جدا باید از تلاش‌های ایشان در احیای نام و یاد پدر قدرانی داشته باشیم- برای سخنرانی در آن مسجد دعوت شدم. فکر کردم پیرامون چه موضوعی صحبت داشته باشم که به این نتیجه رسیدم: چقدر خوب است موضوع سخن را «آیت‌الله طالقانی از دیدگاه امام و مقام معظم رهبری» قرار دهم. لذا تلاش کردم تمام صحبت‌ها، اعلامیه‌ها و مطالبی که این دو بزرگوار در مورد این شخصیت ابرار فرموده‌اند را جمع‌آوری نموده و به اطلاع مستمعین برسانم. پس از پایان سخنرانی، عده‌ای پیشنهاد دادند خوب است این مطالب به صورت مکتوب نیز عرضه شود تا عموم بتوانند استفاده کنند. هر چند با تأخیر پذیرفتم، اما امید می‌برم که موجب رضا و خوشنودی آریامان آقا امام زمان(عج) قرار گرفته و قطره‌ای از وظایف خود را نسبت به این مجاهد بزرگوار انجام داده باشم. سعیدای مردم نکونام نمیرد هرگز

مرده آن است که نامش به تکوی نبرند

مدال‌هایی که امام خمینی، به «ابوذر زمان» داده‌اند

امام راحل (رضوان الله تعالی علیه) را همگان خوب می‌شناسند که اهل تعارف و تملق نبود. اگر به هر کسی لقبی یا مدالی داده یا تعریف و توصیفی داشته، براساس درک و شناخت کافی از آن شخصیت و وظیفه‌ای بوده که احساس می‌کرده است. من گمان ندارم که در میان شخصیت‌های انقلابی ما، چه روحانی و چه غیرروحانی چهره‌ای این همه مدال از امام داشته باشند! در بررسی مختصری که در میان فرمایشات امام راحل داشته‌ام، از پیام‌ها و سخنرانی‌های ایشان به حدود ۳۲ مدال و ویژگی در مورد مرحوم آیت‌الله طالقانی رسیدم که شاید برای برخی خوانندگان تازه‌گی داشته باشد، اینک آن مدال‌ها:

۱- مجاهد عظیم‌الشان.

۲- برادر بسیار عزیز.

۳- کار عمر در جهاد و روشنگری و ارشاد گذراند.

۴- از حبسی به حبسی و از نجی به نجی دیگر، در رفت و آمد بود.

۵- هیچ‌گاه در جهاد بزرگ خود، سستی و سردی نداشت.

۶- او برای اسلام، به منزله حضرت ابوذر بود.

۷- زبان گویای او، چون شمشیر مالک اشتر برنده و

کوبنده بود.

۸- مرگ او زودرس بود و عمر او با پرکت.

۹- رحمت خداوند پدر پدر بزرگوار او که در رأس پرهیزکاران

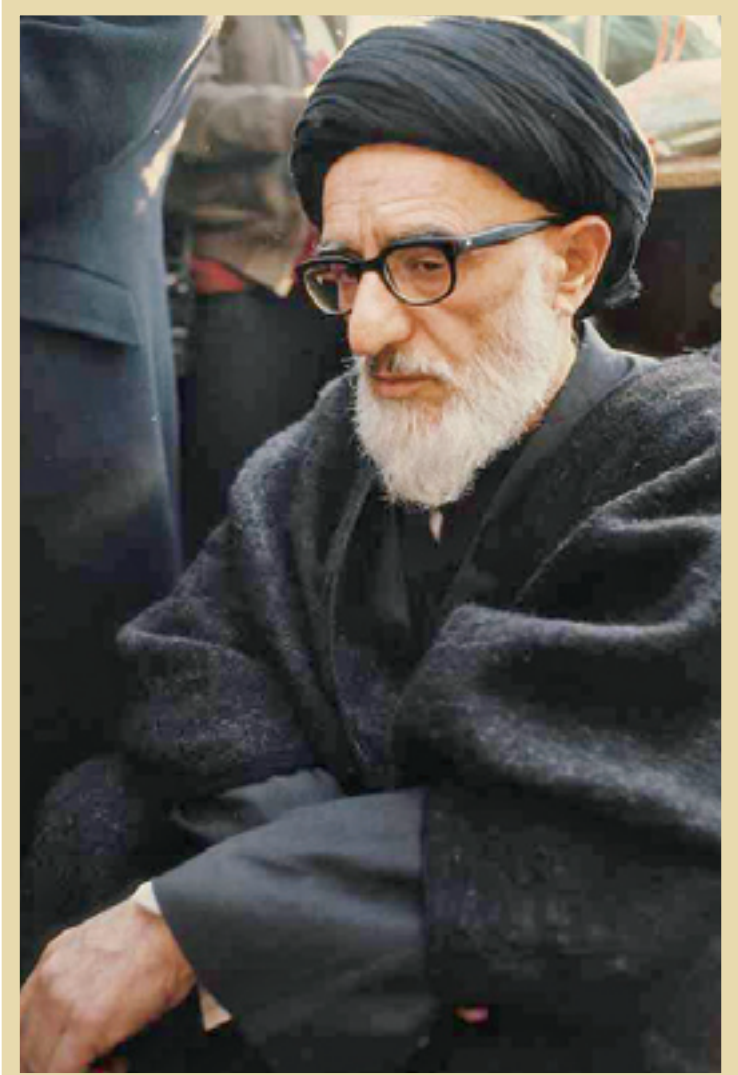
۱۰- یازوی توانای اسلام. (موارد ده گانه پیشین، از پیام امام خمینی به مناسبت رحلت آیت‌الله طالقانی برگرفته شده است)

۱۱- یک سال از رحلت شخصیت ارجمند و عزیز ارزشمند گذشت (کمتر پیش آمد که امام خمینی، در سالگرد شخصیت دیگری پیام داده باشند)

۱۲- یک سال از فقدان مردی گذشت که می‌توانست

به انقلاب اسلامی و پیشرفت اهداف مقدس اسلام، خدمت‌های ارزنده‌ای کند.

۱۳- او می‌توانست با رفتار و گفتارش به اعصاب نازآم که



دی ۱۳۸۷، آیت‌الله سید محمود طالقانی در جلسه حضور در اجتماع بزرگ دانشگاہیان تهران

خوانشی از سیره زنده‌یاد آیت‌الله سیدمحمود طالقانی در آیین توصیف امامین انقلاب اسلامی

شناخت ابوذر زمان با نظر به توصیف امام و رهبر

موجب نگرانی‌ها و تفرق‌ها می‌شوند، آرامش بخشد.

۱۴- مجاهد بزرگوار و عالم هوشیاری که از عنفوان جوانی تا آخرین لحظات زندگی، در خدمت به اسلام و کشورهای اسلامی، متحمل رنج‌ها، حبس‌ها و فشارها بود و هیچ‌گاه از این زحمت‌ارجمند و خدمت‌سو مند، کناره‌گیری نکرد و به کوشش خود در راه هدف و انقلاب ادامه داد.

۱۵- مرحوم مجاهد متعهد و مبارز عظیم‌الشان طالقانی عزیز، به جوار اجداد عالی‌قدرش شتافت (موارد پنج‌گانه پیشین، از پیام امام خمینی در سالگرد آیت‌الله طالقانی برگرفته شده است)

۱۶- ما برادری را از دست دادیم و ملت ما پدری و اسلام مجاهدی را.

۱۷- آقای طالقانی ابعاد مختلفی را داشت، اولاد پیامبر بود.

۱۸- عالم بود.

۱۹- خدمتگزار بود.

۲۰- متفکر بود.

۲۱- مفسر قرآن بود.

۲۲- انسان متعهد بود.

۲۳- مخالف با رژیم بود.

۲۴- مخالف با چپ و راست بود.

۲۵- طالقانی خدمتگزار ملت بود و ملت از خدمتگزار خودش قدردانی می‌کند. (موارد ده‌گانه پیشین از سخنان امام خمینی در مدرسه فیضیه قم برگرفته شده است)

۲۶- مرحوم طالقانی مستقیم بود، مستقیم فکر می‌کرد، مستقیم عمل می‌کرد.

۲۷- انحراف به چپ و راست نداشت.

۲۸- نه غرب‌زده و نه شرق‌زده، اسلام‌زده بود.

۲۹- دنبال تعلیمات اسلام بود و برای یک ملت مفید بود و رفتنش ضایع است. (موارد چهارگانه پیشین، از سخنان امام خمینی در دیدار با خانواده آیت‌الله



رهبر معظم انقلاب اسلامی: «شخصیت‌های ماندگار تاریخ، فضایل زیادی در وجودشان مستتر است. اینها را باید با شناخت و معرفی کرد. آقای طالقانی واقعا سزاوار و شایسته این است که از ایشان تجلیل شود، احترام بشود، نگذارید نام ایشان فراموش بشود، خصوصیات ایشان فراموش بشود و نسبت‌های واقعی ایشان با انقلاب، تبدیل شود به نسبت‌های غیر واقعی؛ اینها را باید مانع بشوید و نگذارید...»



امام‌راحل را همگان خوب می‌شناسند که اهل تعارف و تملق نبود. اگر به کسی لقبی یا مدالی داده، یا تعریف و توصیفی داشته، براساس درک و شناخت کافی از آن شخصیت و وظیفه‌ای بوده که احساس می‌کرده است. من گمان ندارم که در میان شخصیت‌های انقلابی ما چه روحانی و چه غیرروحانی، چهره‌ای به اندازه آیت‌الله طالقانی از امام مدال داشته باشند! در بررسی مختصری که در میان بیانات امام راحل داشته‌ام، به حدود ۳۲ مدال و ویژگی در مورد مرحوم آیت‌الله طالقانی رسیدم

طالقانی برگرفته شده است)

۳۰- نام آن فقید سعید به لحاظ خدمات ارزنده‌ای که به اسلام و مسلمین کرده‌اند و همچنین به خاطر مبارزات مداوم و مستمر آن مرحوم علیه‌چور و ستم و استبداد و استعمار شرق و غرب، در تاریخ آزادی‌خواهان و طالبان حق و عدالت ثبت خواهد شد. (باسخ امام خمینی، به پیام تسلیت حافظ اسد)

۳۱- عالم‌عامل، یک عالمی بود که به داد مردم می‌رسید، نه یک روشن‌فکر. (سخنان امام خمینی در جمع عشاری آذربایجان شرقی)

۳۲- مرحوم آقای طالقانی رفتند و رو سفید رفتند. (سخنان امام خمینی، در جمع عده‌ای از بانوان)

«ابوذر زمان» در آیین توصیفات رهبر معظم انقلاب اسلامی

«اگر من یاد او را بزرگ می‌دارم، به خاطر شخصیت معنوی اوست، به خاطر مجاهدت، فداکاری، دردمندی و نلسوزی او، و است، به خاطر علاقه‌مندی او به وحدت و یکپارچگی مردم مسلمان. احترام به روح طالقانی و به شخصیت و نام طالقانی به خاطر تیترو عنوان نیست. آیت‌الله طالقانی واقعا یک انسان رنج‌دیده و زجرکشیده بود. ۴۰ سال در میدان مبارزه بود. طالقانی درد دین داشت. طالقانی با خود کامگی و خودخواهی مبارزه می‌کرد. دشمن می‌خواست از عنوان و محبوبیت و وجهه آیت‌الله طالقانی، برای آنچه تصور می‌کرد تضعیف انقلاب است استفاده کند، ولی مشت محکم طالقانی بر پوزه دشمن وارد آمد...» (نماز جمعه، ۲۱ شهریور ۵۹)

«این مرحوم یک عالم مجاهد، بااستقامت، پارسا و پاکیزه‌ای بود. امتحان خوبی هم داد. هم در دوران مبارزه هم پس از پیروزی انقلاب و در این معادلات پیچیده و بسیار دشوار که در زمینه‌های سیاسی و امنیتی و بعد از انقلاب پیش آمد، مرحوم آیت‌الله طالقانی امتحان خوبی داد...» (نماز جمعه، ۲۳



۱۳۸۸، بهشت‌زهران تهران، مرثیه‌ای که برای آیت‌الله سیدمحمود طالقانی در قبر گذاشتند

پیش‌خوانی

«اسلام‌ستیزی غرب و کلیسا» در آیین تحلیلی تاریخی

«واتیکان» از داعیه‌داری گفت‌وگوی ادیان تا همکاری با امپریالیسم

نیما احمدپور



اثری که هم‌اینگ در معرفی آن سخن می‌رود، در عداد واپسین آثار اندیشمند فرزانه، زنده‌یاد استاد سیدهادی خسروشاهی است. آن دانشور راحل که خود «واتیکان» را از

نزدیک می‌شناخت، در قالب این رساله روشنگر به بازنمایی رفتار این نهاد و به‌طور مشخص تر شخص پاپ، در دامن زدن به اسلام‌هراسی در دوران حاضر پرداخت و به افشای روابط کلیسا با امپریالیسم دست زد. وی در بخشی از مقدمه این کتاب، درباره ریشه‌های هجوم فرهنگی علیه اسلام و تشیع آورده است: «اسلام‌هراسی یا به عبارت روشن‌تر اسلام‌ستیزی، پدیده جدیدی در غرب مسیحی نیست. از زمان ظهور اسلام به تعبیر قرآن مجید احبار و رهبان، همواره در حال توطئه بر ضد اسلام و مسلمین بوده‌اند که بعدها و از زمان‌های بسیار دور همچنان ادامه یافته و در دوران جنگ‌های صلیبی و قتل‌عام مردم مسلمان به فتوای پاپ‌ها و مأموران کلیسا به مرحله تکمیلی خود رسیده است! در عصر ما علاوه بر اینکه جنگ‌های صلیبی نیابتی در اغلب کشورهای اسلامی، عربی و آفریقایی ادامه دارد و همه روزه هزاران مسلمان بی‌گناه از سوی مزدوران غرب و غرب با سلاح‌های اهدایی امپریالیسم و صهیونیسم بین‌الملل قتل‌عام می‌شوند، در این میان پدران روحانی و در رأس آنها علیجناب پاپ به دعا و نیایش فقط برای مسیحیان و برکت‌بخشی و قدیس‌سازی مشغولند و گویا از این فجایع ضدبشری هم کیشان خود اصولا آگاه نیستند. اسلام‌هراسی کنونی در غرب، بر ضد هر کسی که مسلمان نامیده می‌شود یا فقط پوشش اسلامی دارد،

روژه گارودی، فیلسوف و شخصیت سیاسی معروف فرانسوی که نخست مارکسیستی برجسته بود و بعد یک مسیحی به‌شمار می‌رفت و با پاپ ژان پل دوم هم روابط دوستانه‌ای داشت، در مصاحبه با یک روزنامه ایتالیایی، درباره بنیادگرایی، خشونت غربی و همگامی پاپ پیشین واتیکان با آن، به نکاتی اشاره می‌کند که هدف مسود نظر ما را به خوبی روشن می‌سازد. حملات نژادپرستانه، به ویژه علیه مسلمانان ادامه دارد، ما هنوز در عصر هجوم صلیبی‌ها هستیم. فرانسه را نگاه کنید، امام جماعت مسجد بزرگ پاریس را که یک انسان هوادار دیپلومک و یک اندیشمند اسلامی است و فرهنگ‌های دیگر را هم رد نمی‌کند، بازداشت کرده‌اند. خوب این خطر هجوم مردم شمال آفریقا بر ضد غرب را اعلام می‌کند! در مورد تهدید بنیادگرایی اسلامی، اعتقاد دارم بنیادگرایی واقعی از آن غرب است که در صدد تحمیل فرهنگ و حاکمیت خویش است و به همین دلیل موجب واکنش مشابه در اسلام می‌شود. اصولا غرب در ذات خود، تمایل به قتل‌عام کردن مردم دارد. چه نمونه‌هایی را مثال بزنم؟ نابودی سرخ‌پوستان آمریکا؟ برده‌فروشی؟ فاجعه هیروشیما؟ و در آخر حمله به عراق با تبلیغات صندوق بین‌المللی پول و وزیر پرچم آمریکا برای سرکوب و قتل‌عام مردم! این خلاصه تمدن غرب است. آیا می‌دانید ۸۰ درصد جهان کنترل و مصرف می‌شود؟ دهها میلیون نفر در سال، از فقر و محرومیت می‌میرند و در واقع یعنی هر روز یک واقعه هیروشیما! در این میان پاپ هم با فتاوی خود، اتحادیه نژادپرست غرب را استحکام می‌بخشد. پاپ ژان پل دوم، یک نمونه مدل از بنیادگرایی کنونی است. به یاد بیاورید که وی زئوال پینوشه را تبرک کرد و تنها کسی بود که دیکتاتور نظامی هائیتی را به رسمیت شناخت و همگام با سیه، الهیات‌هایی بخش را تحریم و محکوم کرد. در مورد جلوگیری از ازدیاد نسل، پیش از نژادپرستانه است. او در تاریکی جمود سنتی فرو رفته و واقعا این یک



پاپ فرانسیس، در حال ایراد یک سخنرانی در مقر واتیکان

به‌طور گسترده‌ای ادامه داشته و در عمل تبدیل به اسلام‌ستیزی شده است که جناب ژوزف راتزینگر یا پاپ بندیکت شانزدهم با یک سخنرانی بر ضد پیامبر اکرم(ص) در آلمان به این دشمنی جنبه رسمی و عملی داد و جورج بوش کوچک رئیس‌جمهوری سابق آمریکا، هم‌زمان و به صراحت از جنگ مقدس صلیبی سخن گفت و پس از این مقدمه چینی‌ها، توطئه تجاوز رسمی و علنی علیه کشورهای اسلامی آغاز شد و صدها هزار نفر از مسلمانان، در کشورهای عراق، سوریه، افغانستان، یمن، لبنان و... با هجوم وحشیانه جنایتکاران صلیبی عبری ما قتل‌عام شدند که هنوز هم این جنایات به شکل روشن و آشکار در این کشورها ادامه دارند...»

زنده‌یاد خسروشاهی در ادامه مقدمه نسبتاً مبسوط خود بر این‌سرواها، به تحلیل یک اظهارنظر از زنده‌یاد روژه گارودی درباره نقش کلیسا در توسعه خشونت مذهبی در عصر حاضر نوشته و در این باره می‌نویسد:

«این رساله کوچک، شامل چند بحث متفرقه است؛ متن یک سخنرانی، یک مصاحبه، یک مقاله و دو سه یادداشت درباره اسلام‌هراسی که با توجه به سختی مطالب، در ضمن این مجموعه به‌جایز آنها اقدام می‌کنیم. برای روشن‌تر شدن هدف ما از نشر این رساله، بی‌مناسبت نخواهد بود، مطالبی را از یک شخصیت غربی نقل کنیم که در مصاحبه با یک روزنامه معروف ایتالیایی مطرح شده است. شاید درباریان واتیکان آن مطالب آنگاه شوند و چه بسا عبرت بگیرند، اما افسوس که روح انسانیت در کل غرب مرده است و روح قدسی عیسی مسیح در بین پدران روحانی حاکم نیست و مسیحیت کلیسا هم معنویت خود را از دست داده است. اجازه دهید خلاصه‌ای از مطالب روژه گارودی را در این باره نقل کنیم که ما را از توضیح بیشتر مستغنی می‌سازد.